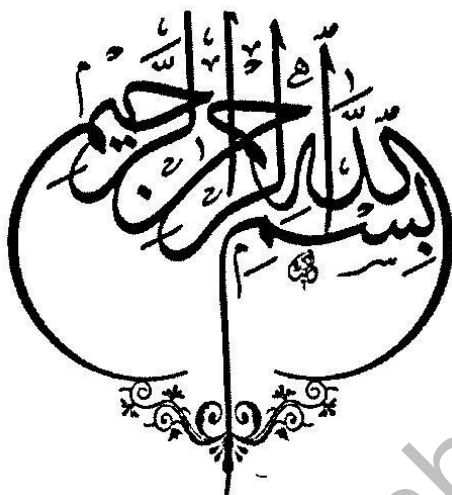




هویت خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان

با رویکرد مذهبی

نویسنده: خدیجه تیموری

آفتاب گیتی

موسسه انتشارات آفتاب گیتی

سرشناسه	نیموری، خدیجه، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور	هویت خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان با رویکرد مذهبی / نویسنده خدیجه تیموری؛ ویراستار مهسا مقدمی‌فر.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب گیتی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۱۰۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۳۱۴-۶۷۰-۱ : ۱۱۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیبا :
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۰۴ - ۱۰۶.
موضوع	تعلیمات دینی اسلامی برای کودکان Islamic religious education of children تربیت اخلاقی — جنبه‌های مذهبی — اسلام Moral education -- Religious aspects -- Islam اسلام و آموزش و پرورش Islamic education تربیت خانوادگی — جنبه‌های مذهبی — اسلام Domestic education -- Religious aspects -- Islam *
رده بندی کنگره	۲۵۳/۴۲۰:
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۴:
شماره کتابشناسی ملی	۱۷۰، ۱۵۵:
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا :

آفتاب گیتی

عنوان: هویت خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان با رویکرد مذهبی

مولف: خدیجه تیموری

ویراستار: مهسا مقدمی‌فر

صفحه آرایشی: نوزن گرافیک

نشر و پخش: موسسه انتشاراتی آفتاب گیتی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: فذک

قیمت: ۱۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۴-۶۷۰-۱

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران - میدان اتریش خیابان بنفشه دهم مجتمع تجاری و اداری باران طبقه همکف
واحد ۱۴۳ *نشر و پخش همراه: ۰۹۱۲۳۳۴۲۳۶۲-۰۹۱۲۳۳۴۲۳۶۸۹-۰۲۱۴۴۷۶۳۶۸۹

فروشگاه کتاب www.aftabegiti.com **** www.shop.aftabegiti.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	پیشگفتار.....
۱۱	فصل اول کلیات تربیت.....
۱۲	موضوع تربیت.....
۱۲	ارزش و اهمیت تربیت.....
۱۳	مفهوم تربیت.....
۱۹	مبانی تربیت از دیدگاه نهج بیلا.....
۲۴	جایگاه تعلیم و تربیت.....
۲۴	هدفهای تربیت در اسلام.....
۲۸	انواع مبانی تربیت.....
۲۹	مراحل تربیت.....
۳۰	دقت در انتخاب همسر.....
۳۶	فصل دوم تربیت دینی.....
۳۷	مفهوم دین.....
۳۷	فلسفه و ضرورت دین.....
۳۹	اهمیت تربیت دینی نوجوان.....
۴۰	زمان تربیت دینی.....
۴۳	طریق آموزش دین.....
۴۶	آسیب شناسی تربیت دینی.....
۴۸	موانع تربیت دینی نسل جوان در نهاد جامعه.....
۴۹	موانع تربیت دینی نسل جوان در نهاد نظام آموزشی.....
۵۰	فصل سوم نقش مدرسه در تربیت دینی دانش آموزان.....
۵۱	رابطه‌ی ابعاد وجودی انسان با تربیت دینی.....

۵۲	 نقش مدرسه در تربیت دینی
۵۷	 معلم و تربیت دینی دانش آموزان
۵۷	 تربیت معلم
۵۸	 اخلاق معلم
۵۸	 مطابقت گفتار و کردار
۵۸	 محبوبیت معلم
۵۹	 مقبولیت معلم
۶۰	 اصول تربیت
۶۰	 محبت و مهرورزی
۶۱	 رعایت اعتدال
۶۱	 حفظ حریت و آزادگی مربی
۶۲	 زمینه سازی
۶۲	 حفظ کرامت مربی
۶۳	 توجه به عزت نفس مربی
۶۳	 تفکر و تعقل
۶۴	 نظارت و مراقبت
۶۷	 گروه دوستان و هم سالان و تربیت دینی
۷۰	 فصل چهارم مفاهیم دینی و شیوه آموزش آنها
۷۱	 درک کودکان و نوجوانان از برخی مفاهیم دینی
۷۲	 آموزش
۷۲	 مفاهیم دینی
۷۳	 ویژگی های کودکان دبستانی
۷۴	 اصول آموزش مفاهیم دینی به کودکان
۷۵	 اصل سهولت
۷۶	 اصل تدریج
۷۸	 اصل مداومت و استمرار

۷۹	اصل آگاهی بخشی
۸۰	اصل تفاوت های فردی
۸۲	روش های آموزش مفاهیم دینی
۸۲	روش استفاده از مثال
۸۳	روش قصه گوئی
۸۴	روش یادآوری نعمت های الهی
۸۵	روش نمایشی (نمادین)
۸۸	فصل پنجم شیوه آموزش مفاهیم دینی
۸۹	آموزش مفهوم دین
۸۹	آموزش مفهوم قرآن
۹۰	معرفی قرآن
۹۰	شیوه آموزش دعا
۹۱	زمینه های موجود در کودکان در مسائل دینی
۹۱	شیوه آموزش نماز
۹۵	فصل ششم آسیب شناسی تربیت دینی
۹۵	بی توجهی به عنصر زمان
۹۶	بی توجهی خانواده ها به آموزه های دینی
۹۸	ناهماهنگی بین کارکردهای محیط اجتماعی و نظام آموزش و پرورش
۹۹	ناپختگی مربیان و معلمان
۱۰۰	مشتبّه شدن تربیت دینی با آموزش دینی
۱۰۱	بی توجهی به تفاوت های فردی و روحیه حقیقت جویی
۱۰۲	تعجیل در تربیت
۱۰۲	تربیت سطحی و زودگذر
۱۰۴	منابع و مآخذ

پیشگفتار

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آن چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی تواند در خلأ و بدون ضابطه ای مشخص آغاز، و بی هدف پایان پذیرد. رفتارهای یکسان زیادی می توان یافت که خاستگاه واحدی ندارند؛ به منظور متفاوتی انجام می شوند و احتمالاً نتایج مختلفی نیز به بار می آورند.

امر تربیت که یکی از زمینه های مهم در مناسبات انسانی است نیز از این قاعده مستثنا نیست. نحلّه ها و مکاتب تربیتی هیچ گاه خود را قانع از چارچوب های بنیادین و اصول نظری معرفی نمی کنند. حتی مکاتب هایی چون رفتارگرایی، که بر رفتار تأکید می کنند و اهداف کلی و آرمانی را چندان قابل مطالعه و تحقیق نمی دانند، نیز هرگز ادعای در شکستن حصر قواعد و اصول کلی حاکم بر رفتار را ندارند؛ چرا که پذیرش همین قواعد و اصول کلی سبب امتیاز و تشخیص مکاتب تربیتی و جدایی آنها از یکدیگر می شود. آنچه همه، بر سر آن اتفاق نظر دارند داشتن هدف و روشهای متناسب با آن است. انتخاب هدفهای تربیتی ریشه در نوع انسان شناسی مختلف دارد و هدفها، تعیین کننده نوع روشهای تربیتی اند. بنابراین، می توان هماهنگی اصول را با مبانی انسان شناسی از طریق هدف و غایت شناسی کاملاً توجیه کرد. به بیانی واضحتر منشأ انسان شناسی، اهدافی است که همواره از زوایای درک موقعیت انسان در جهان بر اساس رویکردهای گوناگون به او و جهان دریافت شده است. با توجه به آنچه بیان شد، حداقل مفاهیمی که در دستور کار هر مکتب تربیتی قرار می گیرد عبارت است از: مبنا، هدف، اصل و روش. شناخت مفاهیم مزبور و درک نحوه ارتباط آنها نسبت به یکدیگر و کارکرد متمایز هر یک در زمینه ی تربیت، ما را به ساخت چارچوب یا نظام تربیتی مشخص رهنمون می سازد؛ چارچوبی که فرایند تربیت در آن آغاز، و به سرانجامی متناسب با شاخص های آن، نایل می شود.

شخصیت فرزندان از همان دوره کودکی و خردسالی تکوین می یابد و ابزارها و شیوه های گوناگونی در جهت تربیت فرزند از نظر شخصیت پدر و مادر و اطرافیان شیر مادر، لقمه و... در

علوم تربیتی و به خصوص در روایات و متون دینی وجود دارد و از آنجایی که موضوع دین رفتارهای اختیاری و ارادی افراد بشر می باشد بنابراین راهکارهای تربیتی رفتاری و کنترل رفتار افراد نیز جزء حوزه مباحث دینی به حساب می آید و به عبارتی موضوع دین هدایت و مهار رفتار و اعمال انسانها در چارچوب دین می باشد و از این رو قلمرو دین هدایت، تربیت و تنظیم رفتار کودکان را نیز در بر می گیرد زیرا که تمام احکام دینی مبتنی بر مصالح و مفاسد است و هر یک از دستورات دین و تکالیف شرعی همانند واجبات و محرمات دارای آثار تربیتی است، که ما در این نوشتار سعی کردیم مطالب را پیرامون نقش دین در تربیت فرزندان ارائه بدهیم.

تربیت مفهومی است بی پایان و بی کرانه که تمامی شئون حیات انسانی را در بر می گیرد و همین بی کرانگی و بی نهایتی در مفهوم تربیت، موجب اشکال و مانعی بزرگ در تدوین نظام تربیتی است. زیرا نه در محصور زمان محدود می شود و نه در محصوره مکان. نه در محدوده خانه می گنجد و نه در محدوده مدرسه. فراتر از محیط، وسیع تر از عالم و عمیقتر از اعمال و بواطن سرشت انسانی است.

هر کجا که انسان می تواند در درون خود یا در عالم بیرون، در ملکوت یا در ناسوت سراغ بگیرد و سربکشد، در آنجا انسان از حضور تربیت در رفتار خود آگاه تر است و تجلی تربیت در رفتار اوست که زمینه دستیابی انسان را به تمامی ابعاد هستی و اعماق آن فراهم می نماید.

تربیت ریشه در هزاران نسل قبل از تولد هر انسان دارد و سایه تاثیر آن بر هزاران نسل بعد از مرگ انسان نیز ادامه خواهد داشت.

چگونگی تربیت در اعتقادات، در سیاست، در اقتصاد، در جنگ، در صلح، در هنر، در ادبیات، در علوم و در روابط انسانها، در جامعه و در رشد و تعالی انسانها، در تکنولوژی، در مدیریت تأثیر مستقیم دارد و نیز عدم تربیت اسلامی در سقوط انسانها و جوامع انسانی نقش تعیین کننده دارد. تربیت بر خصوصی ترین حالات و درونی ترین خاطرات انسانی ناظر است و متقابلاً تمامی عناوین فوق در شکل و شاکله تربیت سهم دارند.

پیچیدگی تربیت آن چنان است که نه تنها به صدها و هزاران عوامل و بیشتر از آن بستگی دارد، بلکه در یک تعمق بیشتر ملاحظه می شود که آنچه که در هستی نقش دارد، در تربیت نیز نقش

دارد و حتی آنچه که در هستی وجود دارد در تربیت نقش دارد تا آنجا که ممکن است تنها یک نگاه به آسمان نقش تعیین کننده‌ای در تربیت و سرنوشت یک انسان داشته باشد.

این بی کرانگی و این گسترش و این بی‌نهایتی در مفهوم تربیت موجب گشته است که بسیاری از کارشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت در جهان از جمع‌بندی مفهوم تربیت، نقش تربیت، عوامل تربیت، آثار تربیت، تجلیات تربیت عاجز بمانند و به تعاریف سطحی و با تسامح بسیار بسنده کنند. اینکه تربیت از کجا شروع میشود و به کجا ختم میشود چیزی نیست که هر مغز ساده‌اندیشی بدان دسترسی پیدا کند.

اینکه عوامل تربیت و مبدء و عمل تربیت و میزان تاثیرات تربیت چگونه بررسی و معرفی شود، کاری است بس دشوار.

لذا هر یک از دانشمندان عالم گوشه‌ای از اقاوس تربیت را مورد توجه قرار داده‌اند و در آن به غواصی و تحقیق پرداخته‌اند.

از هزاران عناوین مستمر در رابطه با تربیت، تنها یک چند عنوان را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند.

نظام تربیتی شامل تمامی عناوین و مفاهیمی است که در بالا بدانها اشاره شده است. تمامی رشته‌های روانشناسی در نظام تربیتی نقش دارد.

تمامی مباحث ژنتیک و بیولوژیکی و فیزیولوژیکی و بهداشتی در تدوین نظام تربیتی نقش دارد.

تمامی مباحث اخلاق نظری و عملی در تدوین نظام تربیتی نقش دارد.

تمامی مباحث اعتقادی و مذهبی و مکتبی در تدوین نظام تربیتی نقش دارد.

تمامی مباحث حکمت و فلسفه و جهان بینی در تدوین نظام تربیتی نقش دارد.

تمامی مباحث و مفاهیم عرفانی در تدوین نظام تربیتی نقش دارد.

تمامی مباحث قرآنی و تفسیری و روایی و مآثورات ائمه معصومین علیه السلام و متون اسلامی در تدوین نظام تربیتی نقش دارد.

شاید همین گستره حیرت‌انگیز موجب گشته است تا در جمع‌بندی و تدوین نظام تربیتی اسلام تاخیری بیشتر از بیست و هفت سال رخ دهد.

محققانی که مایلند در این زمینه قلم بزنند باید تمامی اندیشه و مطالعات و اوقات خود در طول چندین سال متمادی را وقف تحقیق در این باره نمایند و به صورت فعال و پرکار و البته همراه با ذوق و ابتکار و علمی، وجود خود را وقف بررسی جوانب نظام تربیتی نمایند. اما بهر حال تربیت اسلامی، نظام لازم دارد و اساساً بدلیل بی کرانگی تربیت، باید نظامی تدوین شود تا برنامه ریزان و مجریان و مربیان تعلیم و تربیت را از بی برنامه‌گی یا یکسونسنگری محافظت نماید. تحقق تربیت با مفهوم مقدس و اسلامی آن به مراتب پیچیده‌تر و مشکل‌تر از تحقق آموزش در نظام آموزشی می‌باشد. لذا نیازمند به تشکیلاتی وسیع‌تر و برنامه ریزیهای گسترده‌تر از نظام آموزشی فعلی می‌باشد.

بعنوان مثال آموزش ریاضیات و پرورش ذهن و استعداد ریاضی‌متری وقتی محقق خواهد شد که از برنامه ریزی منسجم و دقیق برخوردار باشد، بودجه، کتاب، فضای آموزشی داشته باشد، لوازم کمک آموزشی، تربیت معلم، آموزش، ضمن خدمت، کتب راهنمای معلم و اساتید شایسته داشته باشد، نظام ارزشیابی داشته باشد. تحقیقات کافی در زمینه آموزش ریاضیات انجام پذیرد و مواد آموزشی و روشهای تدریس هماهنگ با روانشناسی رشد و روانشناسی یادگیری و در عین حال متناسب برخوردار باشد. در مورد آموزش علوم طبیعی نیز چنین است. در باره آموزش ادبیات و هنر نیز چنین است.

این در حالی است که آموزش این مواد نیاز به انقلاب درونی و رگرایی با اعماق روح و روان ندارد. در حالی که تحقق تربیت اسلامی بسی پیچیده‌تر و بسی نیازمند به تحقیقات بیشتر و برنامه ریزیهای اساسی‌تر و امکانات و فضای آموزشی و لوازم آموزشی بیشتر می‌باشد بعنوان مثال تحقق ملکه راستگویی در شخصیت تربی و یا تحقق ملکه تعاون، و یا ملکه نماز و تعبد و یا ملکه رعایت حقوق دیگران و یا ملکه انضباط و نظم، ملکه طهارت و نظافت، ملکه سخاوت و شجاعت و ایثار، ملکه ادب در سخن و رفتار و نیز ملکه خردمندی و دانایی، ملکه ظلم ستیزی و گردن فرازی در مقابل متکبرین، ملکه حیا و عفت، ملکه غیرت و روح حماسی در دفاع از نوامیس و مقدسات و میهن و اسلام در مقابل متجاوزین، ملکه کار و تلاش و نیز دیگر آداب و ارزشهای پیشماری که در تربیت اسلامی مطرح است، مواردی است که با تمامی وجود و اعماق روح و روان و حتی محیط و

خانواده دانش آموز مرتبط می باشد و ممکن است با تمامی اینها درگیر شود. لذا انتقال مواد تربیتی و تحقق بخشی در شخصیت تربی از چنان پیچیدگی عجیبی برخوردار است که جز با برنامه ریزیهای وسیع و پیچیده و تدوین نظامی به مراتب پیچیده تر از نظام آموزشی امکان پذیر نیست. از طرف دیگر در تحقق برنامه های تربیتی به دلیل آنکه سعی و تلاش تربی یعنی دانش آموز یا دانشجو اصلی ترین سهم را در تحقق آن دارد، به مراتب پیچیده تر و مشکلتر از آموزش مواد درسی و نظری و فنی می باشد، و نیاز به کارشناسیهای بسیار ظریف و دقیق و برنامه ریزی شده دارد. و هرگز نمی توان مفاهیم فوق را تنها با نصیحت در کلاس اخلاق، در رفتار دانشجو یا دانش آموز متجلی نمود.

زیرا دانش آموز و دانشجو لافل در آموزش ریاضی و فیزیک و یا ادبیات با درون خویش درگیر نمی شود و در جهت تسخیر یک - اما - خا جی است ولی وقتی می خواهد تکبر را ترک کند و یا تقوی را پیشه سازد با درون خودش این را درگیر شود. ثانیاً وقتی فیزیک یا ریاضی را آموخت، مشکل او حل شده است و مانع برطرف گشته است ولی در مورد مواد تربیتی و اخلاقی و ارزشهای انقلابی و دینی، پس از آنکه دانش آموز مفهوم صحیح مثلاً تقوی را کاملاً درک کرد، و آموخت، نه تنها مساله تمام نمی شود بلکه روبرو شدن با مشکلات درونی و بیرونی آغاز می گردد و تازه اول پیدایش مشکلات است. بنابراین تا زمانی که تربیت و مواد تربیتی با برنامه ریزیهای اساسی پی ریزی شود هیچ گاه نمی توان به نتایج تربیتی مدارس و دانشگاهها امیدوار بود. و تا زمانی که ارزشهای تربیتی در رفتار دانشجویان و دانش آموزان متجلی نگردد، دستگاههای آموزشی ما در مصاف با تهاجمات فرهنگی، تلفات داده و طبق فرمایشات مقام معظم رهبری نه تنها ضربه خواهد خود بلکه دشمن فرصت شیخون فرهنگی خواهد یافت و بدیهی است که در یک شیخون، تلفات مطرح نیست، قتل عام مطرح است.